

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مبیاد / بدین بوم ویر زنده یک تن مبیاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۶ جولای ۲۰۰۹

سناریوهای آخر کار در ایران

نخبگان انتقادگر، لهجه خود را شدید تر ساخته اند

اصلاح طلبان بار اول از نماز جمعه بدین منظور استفاده خواهند کرد

رپورتر روزنامه "تاگس شپیگل برلین" Berliner Tagesspiegel، بنام "مارتین گیلن" Martin Gehlen دیروز، ۱۵ جولای ۲۰۰۹، دو نوشته را درین روزنامه نشر کرده است، که مطالب جالبی را در مورد اوضاع سیاسی ایران بیان میکند. اینست که ترجمه دری آنها را تقدیم حضور خوانندگان پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" میکنم:

مارتین گیلن، قاهره

جنگ قدرت در ایران وارد مرحله جدیدی میگردد. نماز جمعه این هفته به امامت مرد قدرتمند و رئیس جمهور سابق ایران، هاشمی رفسنجانی، در پوهنتون تهران برپا میگردد. بدین ترتیب بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران، برای بار اول یک مخالف علنی رئیس جمهور محمود احمدی نژاد، لب به سخن میکشاید. رفسنجانی رئیس "شورای خبرگان" است که دارای ۸۶ عضو بوده و صلاحیت برکنار کردن رهبر انقلاب ایران، علی خامنه ئی را، دارد. قراری که صفحه انترنتی موسوی گزارش میدهد، میر حسین موسوی و محمد خاتمی، در صف اول نمازگزاران قرار خواهند گرفت. این کاندید اصلاح طلب از هواخواهان سبز خود تقاضا کرده است، تا کتله وار به سرکها بریزند.

از تاریخ ۱۲ جون که روز انتخابات بود، سه نماز جمعه گذشت و رفسنجانی و موسوی و خاتمی، تظاهراً از اشتراک در آن دوری گزیدند. در اولین نماز جمعه بعد از انتخابات، امامت بدوش شخص خامنه ئی بود، که ضمن آن هر گونه معامله را رد کرده، ختم تظاهرات را تقاضا نمود و نتیجه انتخابات را قطعی و غیر قابل تغییر خواند. در نمازهای جمعه بعدی آیت الله های طرفدارش، شدت عمل را برای مظاهره چپان درخواست کرده (درخواست کرده) و برای سرکردگان تظاهرات، حتی جزای اعدام را تقاضا کردند.

اینک ایشان به عوض اینکه عقوبت گردند، بروز جمعه شخصاً در صحنه سیاسی تهران حضور مییابند، تا خواسته های خود را از طریق تلویزیون دولتی ایران، مستقیماً پخش کنند. این پدیده غیر منتظر دو نوع توجیه شده میتواند: – یا اینکه در پشت پرده تفاهمی بوجود آمده است، تا نظام جمهوری اسلامی را بیشتر ازین به خطر نیندازد. – یا که اصلاح طلبان با حمایت رفسنجانی تصمیم گرفته اند، تا جنجال قدرخواهی را علناً علم سازند.

پرزدنت احمدی نژاد در خارج از ایران روی و ابرویی ندارد و در اقتصاد کشور هم اولین خسارات قابل لمس است. و طوری که از سخنان ایرادگیر نخبگان کشور شنیده میشود، در واقع تمام تبوها شکسته اند. مثلاً کاندید محافظه کاران و رئیس دیرپای سپاه پاسداران، محسن رضائی، از "فروپاشی داخلی" نظام هشدار داده است. و قراری که وی در وبسایت خود نوشت، باید نخبگان سیاسی ایران، اختلافات خود را برطرف بسازند، "در غیر آن همه ما سقوط

کرده و خسارات بیشتری را بچشم سر خواهیم دید." وی گفت، که آقایان موسوی و احمدی نژاد و کروبی، باید "بخاطر رفاه میهن و بخاطر منافع ملی، تشریک مساعی نمایند."

آیت الله العظمی حسین علی منتظری، که در اساس باید جانشین رهبر انقلاب، خمینی، میشد و سالهای سال در نظر بند بسر میبرد، به "سرنوشت شاه" اشارت کرد. وی که یک روحانی منتفذ میباشد، ضمن دومین نامه خود، موقف خود را در مورد نتیجه انتخابات، قاطعانه بیان کرده و نوشت که: "کشور به مردم تعلق دارد، و نه به این و آن." به گفته او "شاه ندای انقلاب را بسیار ناوقت درک کرد." انتظار می رود، که زمامداران موضوع را به آن سرحد نکشاند. وی در نامه خود نوشت:

« زمامداری که بر سوته (ضرب و شتم) و ظلم و اتلاف حقوق بناء شده باشد و در انتخابات تقلب می نماید و میکشد و بندی میسازد و با شیوه های ستالینی شکنجه میکند و فضای اختناق را بوجود آورده است، جراند را ساتسور میکند، ارتباطات را برهم میزند، نخبگان جامعه را به بهانه های واهی زندانی میسازد و به عنف اقرارهای کذائی از ایشان میستاند، چنین یک زمامداری از نگاه شرعی و از نگاه عقل سلیم انسانی، محکوم است و هیچ ارزشی ندارد.» برندهٔ جایزه نوبل صلح، شیرین عبادی، نیز بدین نظر رسیده است، که حکومت بر اثر انتقادات روز افزون صفوف خود، تضعیف گردیده است. به گفته وی "خشونت آنقدر شدید بود، که خواب آرام عاليجنابان مذهبی را مختل گردانید." "دو آیت الله العظمی و دگر روحانیان گفتند، که خشونت با اسلام سازگار نیست. اعتراضات روحانیان نشان داد، که این حکومت مشروعیت خود را از دست داده است."

"مارتین گیلن" در صفحه ۲۱ همین شماره هم مقاله ای دارد، که خلاصه ترجمه دری آن ازین قرار است:

وقتی که آیت الله به اعتراض برخیزد

حالا ۱۴ (چارده) آیت الله العظمای ایران نیز از خفاء برآمده اند. ایشان که هر کدام عمری بالا تر از ۷۵ سال دارند، بالاترین مرجع صلاحیت دینی را تمثیل میکنند. اگر به قول اطرافیان ایشان اعتبار شده بتواند، هیچکدام ایشان در انتخابات ۱۲ جون، رأی خود را به نفع احمدی نژاد، نداده و فقط یکی از ایشان پیروزی احمدی نژاد را برایش تبریک گفته است. این روحانیان که معمولاً از امور سیاسی کناره گرفته بودند، درین اواخر بی پیرایه ابراز نظر میکنند.

آیت الله العظمی یوسف صانعی اظهار کرد، که سرکوب مردم، امریست نابخشودنی و اقرار گرفتن های به عنف بندهای، قانوناً بی ارزش میباشد. ناصر شیرازی خواستار آن شد، که مناقشه باید حل گردیده و هر گونه شک و تردید مردم از بین برده شود. آیت الله العظمی عبد الکریم موسوی اردبیلی، حملات سپاه پاسداران را در پوهنتون ها و داخل شدن به خانه های مردم را، غیرقانونی و غیر اسلامی خواند.

آیت الله العظمی حسین علی منتظری که قرار بود در سال ۱۹۸۹ جانشین خمینی گردد، و مورد بی مهری قرار گرفته و از سالهای سال بحیث مخالف سیاسی در تحت نظارت بسر میبرد، بصورت منظم صدای خود را با انتقادات گزنده، بلند میکند. این روحانی سرشناس به مناسبت نتایج انتخابات، دومین فتوای خود را صادر کرده گفت، که کشور متعلق به مردم است، و نه متعلق به کدام شخص. وی ضمن این فتوا، بالاترین رهبر مذهبی، علی خامنه ئی را صریحاً مخاطب قرار داده، اظهار کرد که:

« شاه وقتی نعره انقلاب را درک کرد، که گپ از گپ گذشته بود. امید است که زمامدار فعلی، گپ را بدانجا نکشاند.»

بدین ترتیب دیده میشود، که حلقات روحانی ایران به همان اندازه در تقابل قرار دارند، که نخبگان سیاسی سکولار این کشور نیز. کلیشه دولت ملائی، هیچگاه و هرگز مصداق نداشته است. نظر به محاسباتی که "ویلفرید بوختا" Wilfried Buchta بحیث واردترین متخصص سیستم حکومتداری ایران، در قلمرو زبان المانی انجام داده است، از جمله ۵۰۰۰ آیت الله ایران، حتی یکصد نفر ایشان هم در رژیم دخیل نبوده و کدام منصب رسمی سیاسی را به عهده ندارند. وضع در قشر میانه روحانی نیز به همین منوال است. ۲۸۰۰۰۰ مرد لقب حجت الاسلام را داشته و دارای تحصیلات عالی دینی میباشند. مگر تنها ۲۰۰۰ نفر ایشان روحانیان رژیم میباشند، از قبیل محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق ایران، مهدی کروبی، که کاندید ریاست جمهوری بود. و یا هاشمی رفسنجانی، که ریاست شورای خبرگان را به عهده دارد. بوختا تعداد روحانیان معمولی را به ۱۸۰۰۰۰ نفر تخمین کرده است، که از جمله حتی ۴۰۰۰ نفر ایشان هم از نگاه سیاسی فعال نمیباشند. به گفته این ایران شناس، سرشناس، در حالی که فقط یک اقلیت کوچک روحانی در سلسله مراتب رژیم قرار گرفته است، متباقی همه برحذر از امور سیاسی بسر برده و در یک مخالفت خاموش با رژیم قرار گرفته اند. (ختم)

توضیح :

در سلسله مراتب تحصیلات دینی ایران، بالاترین همه "آیت الله" قرار دارد؛ یعنی "نشانه خدا". "آیت الله ها" هم درجاتی دارند، که بالاترین همه "آیت الله العظمی" میباشد. کلمه عربی "عُظْمَى" (با الف مقصوره) صبیغه مؤنث صفت تفضیلی "اعظم" و در معنای "عظیم ترین" (بزرگترین) است. پس "آیت الله العظمی" یعنی "بزرگترین آیت الله". در زبان عربی صفت و موصوف از نگاه افراد و جمع و تذکیر و تأنیث، باهم مطابقت دارند. چون ترکیب "آیت الله" مؤنث است، ازینرو صفت آن هم مؤنث و در هیئت "عُظْمَى" آورده شده است. ترکیباتی از قبیل "صدارت عُظْمَى" و "سفارت کُبْرَى" و "ید طُولی" ، مثالهای دیگری از چنین تعامل صرفی میباشد. شرح بیشتر موضوع را میگذارم به سلسله "مشکلات املائی در زبان دری".